

## واکاوی نبرد یمامه

تاریخ جمع قرآن کریم بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ مطمح نظر جمع کثیری از تاریخ پژوهان بوده است، از این میان، بحث «انگیزه خلیفه اول از جمع قرآن کریم» و به تبع آن بحث جنگ یمامه و شهدای آن تاریخ‌شناسان را به اختلاف آراء فراوانی سوق داده است. به طوری که موجب شد تا برخی به غلوّ گراییده و تعداد شهدای قاری را بالغ بر ۷۰۰ تن بدانند و در مقابل، عده‌ای از خاورشناسان را بر آن داشت تا با بررسی دوباره، این تعداد را تنها به ۲ تن تقلیل دهند. از این رو، بررسی صحت و سقم این مسأله از طریق بازخوانی واقعه یمامه و گردآوری اسامی شهدای قاری وظیفه پژوهش پیش روست تا این دو ادعا را در میان کتب روایی، رجالی، تاریخی و علوم قرآنی جستجو نماید و گامی برای یافتن حقایق بردارد. شایان ذکر است که نتیجه حاصله از این پژوهش تأثیر بسزایی در پذیرش یا عدم پذیرش اصل و انگیزه اولین گردآوری قرآن خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: نبرد یمامه، جمع قرآن، شهدای قاری، حافظان قرآن، عمر.

فاطمه کرمی (نویسنده مسئول)

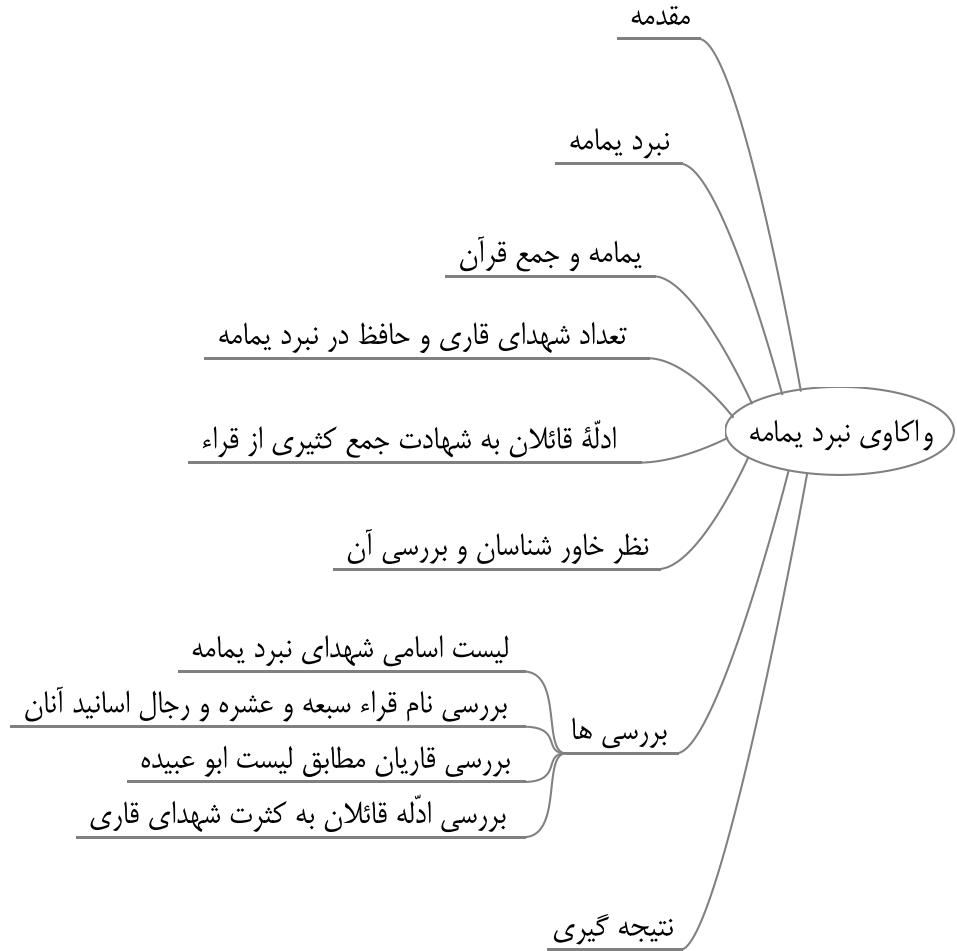
مری  
جامعة المصطفى العالمية  
Zf.karami@gmail.com

دکتر علیرضا رئیسیان

استادیار  
دانشگاه فردوسی  
raeisian42@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۳۰



## ۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم علوم قرآنی بحث جمع و گردآوری قرآن کریم می‌باشد، از دیرباز این موضوع از جنبه‌های مختلف توجه قرآن‌پژوهان را به خود جلب کرده است. از مهم‌ترین موضوعاتی که در کتب علوم قرآنی مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است. توجه به نخستین جامع قرآن، توجه به نخستین دوره جمع آن و نیز توجه به مراحل گوناگون گردآوری قرآن می‌باشد. قرآن‌پژوهان جمع و تدوین قرآن را دارای سه مرحله می‌دانند:

مرحله نخست: جمع قرآن در زمان حیات رسول الله ﷺ؛ که در این باره از زید، چنین نقل شده است: «پیامبر به ما فرمود قرآن را از روی رقاع بنویسید». مرحله دوم: کتابت قرآن در زمان حکومت ابوبکر پس از جنگ یمامه و مرحله سوم: جمع قرآن در زمان خلافت عثمان و اقدام وی در یکسان‌سازی قرائت قرآن. که البته جمع‌آوری قرآن در زمان خلیفه اول و انگیزه چنین اقدامی از جمله مباحثی است که جای تأمل دارد.

آنچه این مقاله به دنبال آن است، بررسی انگیزه و سببی است که اقدام خلیفه اول را در جمع قرآن به دنبال داشته است زیرا طبق کتب علوم قرآنی علت و انگیزه اصلی، شهادت جمع زیادی از قاریان قرآن در خلال نبرد یمامه ذکر گردیده و همین مسأله موجب شکل‌گیری آرای متفاوتی از سوی محققان شده است. از جمله موجب شد تا برخی به غلوّ گراییده و تعداد شهدای قاری را بالغ بر ۷۰۰ تن بدانند و در مقابل، عده‌ای از خاورشناسان را بر آن داشت تا با بررسی دوباره، این تعداد را به ۲ تن تقلیل دهند. همین اختلاف آماری میان مسلمانان و خاورشناسان لزوم بازبینی منابع اصلی را پدید می‌آورد. اما از آنجایی که این موضوع علاوه بر جنبه علوم قرآنی، دارای جنبه‌ی تاریخی نیز می‌باشد، بر آن شدیدم تا با کنکاش در منابع علوم قرآنی، تاریخ قرآن، کتب تاریخی، آثار رجالی و نیز انساب و مغازی، حادثه «جنگ یمامه» را

مورد بازبینی و مطالعه قرار دهیم تا میان این دو ادعا به دور از تمامی پیشفرضها و تعصبات، داوری دقیقی صورت دهیم.

شایان ذکر است در این پژوهش کتابخانه‌ای، جهت بررسی ادله موافقان جمع قرآن به واسطه شهادت جمع کثیری از قاریان در یمامه، ابتدا نام تمامی شهدای جنگ یمامه از کتب فوق استخراج شده، سپس با استفاده از کتب علوم قرآنی، رجالی، انساب و مغازی سابقه آنان در قرائت یا حفظ قرآن مورد واکاوی قرار گرفته است. باید افزود که در این نوشتار ادعا بر این نیست که در استخراج نام شهدا و تهیه لیست اسامی آنان حصر کامل صورت گرفته است، بلکه با توجه به منابع قابل دسترس و موجود، این بررسی صورت پذیرفته است.

## ۲. نبرد یمامه

مطابق کتب تاریخی (اهل سنت) با آغاز خلافت ابوبکر چند تن از مدّعیان نبوت فضا را برای مقاصد خود آماده دیدند و در جهت تحقیق آمال خود به تبلیغ رسالت ساختگی خویش پرداختند. به همین منظور خود را از دادن مالیات و زکات به خلیفه معاف نمودند؛ از جمله این افراد، مسیلمه کذاب بود که در منطقه‌ای به نام یمامه در میان قبیله بنی‌حنیفه در اواخر سال یازدهم یا اوایل سال دوازدهم هجری (ابن کثیر بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۷) موجب برپایی نبرد سهمگینی شد. خلیفه که وجود او را در جامعه نوپای اسلامی بسیار خطرناک می‌دید، ابتدا با فرستادن عکرمه (طبری ۱۴۰۷هـ، ج ۲، ص ۲۷۵) در صدد سرکوب وی برآمد. اما سپاه مسلمین با خطر شکست مواجه شد، به همین علت خلیفه سپاه خالد بن ولید را به آن منطقه گسیل داشت. در مقابل، سپاهیان مسیلمه نیز خود را برای نبرد دوباره مجهز نمودند. به‌طوری‌که مورخین تعداد سپاهیان وی را بالغ بر ۴۰ هزار مرد جنگجو برشمرده‌اند (ابن خلدون ۱۳۱۹هـ، ج ۲، ص ۵۰۱ و طبری ۱۴۰۷هـ، ج ۲، ص ۲۷۵) و به این ترتیب نبرد سختی میان هر دو گروه شکل گرفت و یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های رده را در تاریخ ثبت نمود.

برخی از تاریخنگاران برای نشان دادن بزرگی این واقعه، به تعداد مقتولین آن استناد کرده و نقل نموده‌اند که از سپاهیان مسیلمه ۱۷ هزار جنگجو کشته (ابن خلدون ۱۳۱۹ هـ ج ۲، ص ۵۰۲ و طبری، هـ ج ۲، ص ۲۸۳) و از میان مسلمین ۱۲۰۰ و یا حتی ۱۷۰۰ تن شهید شدند (بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۱).

### ۳. یمامه و جمع قرآن

به هر حال این جنگ با کشته شدن مسیلمه به پیروزی مسلمانان ختم شد (سیوطی ۱۳۹۴ هـ ج ۱، ص ۱۶۰ و یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۶ و طبری ۱۴۰۷ هـ ج ۲، ص ۲۷۵-۲۸۳). پس از این واقعه عمر در حالی که از کشته شدن قاریان نگران بود به ابوبکر هشدار داد و گفت: «اگر در دیگر نبردها قاریان کشته شوند، قرآن نابود خواهد شد، پس لازم است قرآن جمع‌آوری شود».¹ (سیوطی، ۱۳۹۴ هـ ج ۱، ص ۱۹۳ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲ و نسایی، ۱۴۱۱ هـ ج ۵، ص ۷) «اما ابوبکر می‌ترسید از اینکه می‌خواست کاری را که پیامبر انجام نداده بود، انجام دهد. به هر صورت عمر او را بر اهمیت کار آگاه ساخت و در این راستا، از زید بن ثابت برای انجام این مهم تقاضای همکاری نمود. زید نیز همچون ابوبکر از این کار هراس داشت اما او را نیز به اهمیت کار وقف ساخته و بدین ترتیب کار نیمه تمام پیامبر، برای نخستین بار توسط خلیفه اول انجام پذیرفت (ر.ک: زركشی، ۱۳۷۶ هـ ج ۱، ص ۲۲۳ و سیوطی، ۱۳۹۴ هـ ج ۱، ص ۱۹۳ و بخاری ۱۴۰۱ هـ ج ۱۵، ص ۳۰۶ و احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳).

از این‌رو، تاریخنگاران و اندیشمندان قرآنی در بیان مرحله دوم جمع قرآن، علت اصلی اهتمام ابوبکر به جمع قرآن را کشته شدن تعداد زیادی از قاریان در نبرد یمامه دانسته‌اند. اما آنچه در این داستان جای پرسش و بررسی دارد این است که:

۱. إن القتل قد استحر بقراء القرآن وإنني أخشى أن يستحر القتل بالقراء في المواطن فيذهب كثير من القرآن وإنني أرى أن تأمر بجمع القرآن».

۱. گویا دانشمندان قرآنی در این داستان دچار مسامحه شده‌اند؛ چرا که آنان اولین جامع قرآن را ابوبکر عنوان کرده‌اند، این در حالی است که طبق برخی روایات جمع قرآن، اولین جامع، عمر معرفی شده است.
۲. چگونه پیامبر اسلام در اندیشه ثبت و ضبط و حفاظت قرآن نبوده است؟
۳. مگر قرآن تنها در سینه حافظان جمع بوده که عمر از کشته شدن قاریان در نبردهای دیگر، از بین رفتن تمام قرآن را نتیجه گرفته است؟ این سخن چگونه با ادعای جمع قرآن در زمان حیات رسول الله ﷺ سازش دارد؟ در حالی که مؤیداتی چون روایات ثبت قرآن در ابزار نوشتاری آن دوره به دستور نبی اکرم ﷺ وجود دارد (ر.ک: سیوطی، ۱۳۹۴ هـ ج ۱، ص ۱۶۰).
۴. شهدای قاری در نبرد یمامه چند نفر بودند که کشته شدن آنان، وجود «كتاب الله» را با خطر نابودی مواجه ساخت؟

پاسخ صحیح این سوالات را در میان کتب تاریخی - تحلیلی قرآن می‌توان یافت (ازجمله ن.که خوبی، بی‌تا، صص ۲۶۲-۲۴۰ و جعفریان، ۱۳۸۲ش، ص ۸۰ و عاملی و اسلامی ۱۳۷۷ش، ش، صص ۶۰-۹۰) اما آنچه نیازمند دقت و کاوش جدی می‌باشد، پرسش اخیر است. برای رسیدن به پاسخ سؤال فوق به واکاوی دقیقی در کتب گوناگون علوم قرآنی، تاریخ قرآن و منابع تاریخی نیازمندیم تا سیر داستان «نبرد یمامه» مورد مطالعه دقیق قرار گیرد.

#### ۴. تعداد شهدای قاری و حافظ در نبرد یمامه

مورخان و رجالیان اهل سنت در آثار خود به بیان اسامی شهدای جنگ‌های صدر اسلام بر اساس ترتیب تاریخی جنگ‌ها پرداخته‌اند که در میان آنان نام شهدای واقعه یمامه به وفور یاد می‌شود، گفتنی است که در مجموع کتب علوم قرآنی (اعم از کتب شیعه و اهل سنت) این بحث به طور یکسان مطرح شده است. به عنوان مثال: در مهم‌ترین کتب

علوم قرآنی از جمله در «الاتقان»، «مناهل العرفان» و ... و در کتب تاریخ قرآن شیعه از جمله در کتاب «تاریخ قرآن» آقای رامیار (رامیار، ۱۳۸۰ش، صص ۲۹۹-۳۰۳) و آیت‌الله معرفت (معرفت، ۱۳۸۲ش، ص ۸۸) و ....، در بیان انگیزه خلیفه اول از جمع قرآن همین داستان ذکر شده است. همچنین در کتب تاریخی همچون «الفتوح» ابن اعثم، «تاریخ طبری» و دیگر کتب مهم تاریخی مطالب یکسانی بیان شده است که در اینجا به اختصار، تنها بر اساس منابع دسته اول، به این نکات اشاره می‌شود:

(الف) برخی ادعا کرده‌اند که تعداد قاریان شهید در جنگ یمامه ۷۰۰ تن بوده است (قرطبی، ۱۴۲۳هـ ج ۱، ص ۵۱ البته قرطبی این تعداد را به صورت «قیل» ذکر کرده است) و برخی دیگر تعداد این شهدا را بالغ بر ۵۰۰ دانسته‌اند (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲، ر.ک: زرقانی، ۱۴۲۵هـ: ج ۱، ص ۲۴۹). کمترین تعداد قاریان شهید به گواهی برخی ۷۰ تن بوده است (سیوطی، ۱۳۹۴هـ ج ۲، ص ۴۱۶ و زرقانی، ۱۴۲۵هـ ج ۱، ص ۲۴۹).

(ب) برخی تعداد کشته شدگان مسلمان را ۱۷۰۰ تن دانسته‌اند که ۳۶۰ نفر آنان، از صحابه پیامبر شمرده می‌شوند. (بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۱)<sup>۱</sup> و برخی دیگر شهدای صحابه را ۴۵۰ یا ۶۰۰ تن بر شمرده‌اند (العکری، ۱۴۰۶هـ ج ۱، ص ۲۳). هرچند در مقابل، برخی دیگر این تعداد را به ۷۰ تن، تنها از شهدای انصار، تقلیل داده‌اند (شافعی، ۱۹۹۵م، ج ۳۶، ص ۱۰۴ و ابن کثیر، ۱۳۹۶هـ ج ۳، ص ۹۱ و ذهبی، ۱۴۰۷هـ ج ۱، ص ۲۱۳ و ابن حجر ۱۳۷۹هـ: ج ۱۳، ص ۱۱۴ و بخاری ۱۴۰۱هـ: ج ۱۳، ص ۴۵۷ و قرطبی ۱۴۲۳هـ: ج ۱، ص ۵۰) گفتنی است که در این بین و با وجود تفاوت آشکار در ارقام شهدای یمامه؛ برخی در شهادت آنان در این نبرد تردید نموده و آنان را در لیست شهدای دیگر جنگ‌ها آورده‌اند.

۱. «و قد اختلفوا في عدة من استشهد باليمامة، فأقل ما ذكروا من مبلغها سبع مئة و أكثر ذلك ألف و سبع مئه قال بعضهم: إن عدتهم ألف ومائتان»

## ۵. ادله قائلان به شهادت جمع کثیری از قراء

در ذیل به پنج ادله مهم قائلان به شهادت جمع کثیری از قراء اشاره می‌شود:

۱. در میان انبوه کتب اهل سنت که به بیان این نبرد پرداخته‌اند، با تمام اختلافاتی که در ارقام شهدای قاری وجود دارد، یک وجه اشتراک به چشم می‌خورد و آن باورداشت کثرت شهدای قاری است که بی‌تردید علت این وجه اشتراک، همان گفته عمر بن خطاب است. بر این اساس مهم‌ترین دلیل قائلان، همین سند است.
۲. با این حال برخی به بیان ادله دیگری نیز پرداخته‌اند تا با آن دلایل کثرت قراء شهید اثبات شود تا به تبع آن ضرورت تدوین قرآن توسط خلافت نیز اثبات گردد. از جمله این دلایل، گفتار و شعارهای مسلمانان در آن روز است:

- شعار «يا اصحاب سوره البقره» (بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۰۸).
- گفته سالم در حین پذیرش پرچمداری سپاه که هنگامی که به او گفته شد: «تو نیز مانند پرچمدار قبلی کشته خواهی شد» وی در جواب گفت: «بد حامل قرآنی باشم اگر از مرد قبل کم بیاروم».
- گفته حذیفه بن یمان که خطاب به مسلمین گفت: «ای اهل قرآن، قرآن را با کارهای خود زینت دهید» (طبری، ۱۴۰۷هـ ج ۲، ص ۲۸۰ و العیید، بی‌تا: ص ۳۹) طبق ادعای موافقان جمع قرآن توسط ابوبکر، مجموع این اقوال نشان‌دهنده کشته شدن جمعی از حافظان و قاریان قرآن است.
- ۳. اهتمام صحابه به حفظ قرآن به طوری که این شوق در میان زنان و فرزندان آنان نیز موجب فراغیری قرآن شد تا آنجا که برخی زنان مهر خود را چند سوره از قرآن کریم قرار می‌دادند (العیید، بی‌تا، ص ۲۲).
- ۴. وجود افراد بی‌شماری که در دوران حیات پیامبر به حفظ قرآن و قرائت آن روی آورده‌اند، گواه دیگری بر این مطلب است. برخی منابع به نقل از «القراءات ابوعلییده» (این کتاب را سیوطی اولین کتاب در باب قراءات معرفی می‌کند: سیوطی، ۱۳۹۴هـ ج ۱، ص ۱۹۸) نام چند تن از قاریان صحابی را ذکر کرده‌اند.

۵. شهادت ۷۰ تن از حفاظ و قاریان در نبرد بئر معونه در سال چهارم دلیل دیگری است که در سال دوازدهم نیز همین تعداد از قاریان به شهادت رسیده‌اند.

## ۶. نظر خاور شناسان و بررسی آن

برخی از خاورشناسان معتقدند تنها دو قاری در این جنگ کشته شده‌اند؛ سالم و عبدالله بن حفص بن غانم. ابتدا عبدالله بن حفص پرچمدار مهاجرین بود و شهید شد و پس از او سالم پرچمداری مهاجرین را به عهده گرفت. (نولدکه، ۲۰۰۴م، ج ۲، ص ۲۵۳ و ن.ک: رامیار، ۱۳۸۰ش، ص ۳۰۲).

اما این نکته را تنها در تاریخ طبری به نقل از سیف و به تبع طبری، در تاریخ ابن اثیر می‌توان دید (ابن اثیر، ۱۳۸۶هـ ج ۱، ص ۳۷۳ و طبری، ۱۴۰۷هـ ج ۲، ص ۲۸۰). این در حالی است که دیگر مورخان (ابن خلدون، بی‌تا، ج ۲، صص ۱۹۵۶-۱۱۱ و بلاذری، ۵۰۱-۳۷۵ و ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۵ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹) در هنگام شرح ماجرا، نامی از حفص بن غانم ذکر نکرده‌اند، بلکه پرچمدار قبل از سالم را زید بن خطاب معرفی نموده‌اند (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)، ضمن آنکه از میان کتب تراجم، تنها کتاب الاصابه (عسقلانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۱۷) به نقل از طبری اشاره‌ای به وی کرده است و دیگر هیچ توصیفی راجع به او ذکر نیاورده است (ر.ک: علامه عسگری، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۱۸) تا بتوان او را از قاریان برشمرد.

## ۷. بررسی‌ها

جهت واکاوی صحت و سقم دو ادعای گفته شده، ضروری است تا با توجه به کتب گوناگون اسلامی ابتدا سه لیست از نام قراء به ترتیب زیر تهیه شود:

(۱) اسامی شهدای نبرد یمامه؛ (۲) نام قراء سبعه و عشره و نیز نام رجال اسانید آنان و؛ (۳) لیست ابو عبیده از قاریان به عنوان نخستین مدون کتاب قرائات.

سپس اسامی تهییه شده بررسی شده و پس از آن مطابق شروح برخی از شارحان بر سخن عمر، علت و زمینه‌های وقوع این ادعا بررسی می‌گردد.

#### ۱.۷. لیست اسامی شهدای نبرد یمامه

این لیست که حاصل واکاوی در میان آثار تاریخی، رجالی، تراجم، انساب و بلدان است بدین قرار می‌باشد:

۱. بسر بن أبي رهم الجهنی (عسقلانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱)؛ ۲. بن سلیم بن قیس بن خالد بن أبي الحشر (عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۴، ص ۳۷۵)؛ ۳. عتاب بن سلیم بن قیس (عسقلانی ۱۴۱۲ هـ، ج ۴، ص ۳۷۵)؛ ۴. أَسِيد (اسعد) بن يربوع بن البدی الأنصاری الساعدي (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱، ص ۳۰ و عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱، ص ۲۳۶ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ، ج ۲، ص ۱۷۷ و ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۷ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۵. إِيَّاسُ بْنُ وَدْقَةَ الْأَنْصَارِي (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱، ص ۳۹ و عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱، ص ۲۳۶ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۳، ص ۳۲۳ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۰۰ و ذهبی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۶. بشر بن عبد الله الأنصاري (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱، ص ۵۲ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۳، ص ۳۷۹ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ، ج ۲، ص ۱۷۷ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۲۳ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۷. بجاد (بخار) بن السائب بن عویمر القرشی المخزومی (ابن کلبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۷۰ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱، ص ۵۹ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۰۲)؛ ۸. ثابت بن هزار بن عمرو الأنصاری (ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ، ج ۲، ص ۱۷۷ و ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۳، ص ۵۵۱ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۴۷ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۹. جبیر بن بحینه که گفته شده وی همان ابن مالک بن القشی است (صفدی ۱۴۲۰ هـ، ج ۴، ص ۴ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ، ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۱۰. جنادة بن عبد الله بن علقة بن المطلب بن عبد (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱، ص ۷۴ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ، ص ۱۷۷).

ج ۴، ص ۵۲ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۸۹ و مصعب زبیری، بی‌تا، ص ۲۳)؛ ۱۱. جرول بن عباس بن عامر بن ثابت أو نابت (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۷۸ و ذهبي، ۱۴۰۷ هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۱۲. حاجب بن يزيد الأنصاري الأشهلي (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۹ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۸۳ و صدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۴، ص ۶۳، ابن کثیر بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۱۳. الحارث بن أبي صعصعة (صفدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۱۱، ص ۱۸۱ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ ج ۲، ص ۱۷۷ و ابن اثیر، بی‌تا، صص ۱۹۹ و ۲۱۱ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۸۵ و ابن كلبی، بی‌تا، ص ۱۴۶)؛ ۱۴. حبیب بن اسد بن جاریة الثقفى (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۹۵ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۲۳۳ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۱۵. حبیب بن عمرو بن محسن الأنصاری (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۹۵ و ذهبي، ۱۴۰۷ هـ ج ۱، ص ۳۷۷ و بلاذری ۱۹۵۶ م: ص ۱۱۰ و ابن كلبی بی‌تا: ص ۱۴۵ و ابن کثیر بی‌تا: ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۱۶. حکیم بن حزن بن أبي وهب ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱۰۷ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ، ج ۲، ص ۱۷۷ و ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵۴ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۲۷۹ و بخاری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۱ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۱۷. حی بن حرثة الثقفى یاحی بن جاریة (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۱۳ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۲۳۸ و صدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۴، ص ۳۴)؛ ۱۸. ریاح مولی بنی جحجبی (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۴۴ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۳۵۴ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹ و صدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۴، ص ۵۴ و عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ ج ۲، ص ۳۷۵)؛ ۲۰. ربیعة بن أبي خرشة بن ربیعة القرشی العامری (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۷۴ و صدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۱۴ و عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ ج ۲، ص ۶۲ و عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ ج ۲، ص ۳۸۵)؛ ۲۱. زرارة بن قیس الأنصاری الخزرجی (صفدی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۴، ص ۴۷۷ و عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ ج ۲، ص ۴۶۴ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۵۳ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۳۸۱)؛ ۲۲. السائب بن عثمان بن مظعون (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۳، ص ۴۰۲ و بلاذری، ۱۳۹۴ هـ ص ۳۷۷ و تمیمی، ۱۹۵۹ م، ص ۶۱ و زرکلی، ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۶۸ و بلاذری، ۱۹۵۶ م، ص ۱۰۹ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۷۲)؛ ۲۳. السائب بن خویلد القرشی الأسلی (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۴، ص ۱۱۹ و شافعی،

۱۹۹۵م، ج ۵۸، ص ۲۴۷ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۰۹ و ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۶ و صفتی، ۱۴۲۰هـ ج ۵، ص ۲۸ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۷۲ و بلاذری، ۱۳۹۴هـ ۳، ص ۲۸۰ و ابن حزم، ۱۴۲۴هـ ج ۱، ص ۱۳ و ابن عبد البر، ۱۴۲۴هـ ج ۱، ص ۱۳۹۴؛ ۲۴. سعد بن حرثة بن لوزان (طبرانی، ۱۴۰۴هـ ج ۶، ص ۵۶ و صفتی، ۱۴۲۰هـ ج ۵، ص ۴۸) و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۷۴ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۱۷۴ و ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۲؛ ۲۵. سعد بن حمار بن مالک الأنصاری (ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۱۷۵ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷ و سمعانی، بی‌تا: ج ۲، ص ۸۰)؛ ۲۶. سلمة بن مسعود بن سنان الأنصاری (صفتی، ۱۴۲۰هـ ج ۵، ص ۱۰۲ و ابن کثیر، بی‌تا: ج ۶، ص ۳۷۴)؛ ۲۷. سماک بن خرشة (سماک بن اوس بن خرشة) أبو دجانة النصاری (رازی، ۱۲۷۱هـ ج ۴، ص ۲۷۹ و ابن کلبی، بی‌تا: ص ۹۵ و بلاذری ۱۹۵۶م: ص ۱۱۰)؛ ۲۸. سهیل بن علی الأزردی (ابن کثیر بی‌تا: ج ۶، ص ۳۷۴ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۲۹. خضرار بن الأزور الأسدی (صالحی، ۱۴۱۴هـ ج ۱۱، ص ۳۶۰ و زرکلی ۲۰۰۲م، ج ۳، ص ۲۱۵ و بلاذری ۱۹۵۶م، ص ۱۱۱)؛ ۳۰. طلحة بن عتبة الأنصاری (عسقلانی ۱۴۱۲هـ ج ۳، ص ۴۳۳ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۲۳۳ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۵۴۵)؛ ۳۱. عامر بن البکیر اللثی (ذهبی، ۱۴۰۷هـ ج ۱، ص ۳۷۷ و ابن کثیر، بی‌تا: ج ۶، ص ۳۷۴)؛ ۳۲. عامر بن ثابت بن سلمة بن أمية (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۴، ص ۳۷۴ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۳۳. عبد الرحمن بن حزن بن أبي وهب (ابن کثیر، بی‌تا: ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۳۴. عبد الرحمن بن عبد الله بن شعبه أبو عقیل البلوی (سمعانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۵۶ و بلاذری ۱۹۵۶م، ص ۱۱۰)؛ ۳۵. عبد الرحمن بن قیضی بن قیس (عسقلانی ۱۴۱۲هـ ج ۳، ص ۲۹۷)؛ ۳۶. عبد الله بن عثمان الأسدی (ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۲۸۹)؛ ۳۷. عبد الله بن عمر بن بجهة القرشی العدوی (ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۰ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۳۸. عبد الله بن محمرة بن عبد العزی القرشی العامری (بلاذری، ۱۳۹۴هـ، ص ۹۶ و ابن سعد ۱۹۶۸م: ج ۳، ص ۴۰۴)؛ ۳۹. عبید الله بن عبید (عتیک) بن السیحان (ذهبی، ۱۴۰۷هـ، ج ۱، ص ۳۷۷ و ابن اثیر، بی‌تا: ص ۷۲۷)؛ ۴۰. عتاب بن سلیم بن قیس بن خالد القرشی التیمی (ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۳ و ابن سعد ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۴۴۹)؛ ۴۱. عقبة بن عامر بن نابی بن الأنصاری الخزرجی

(زرکلی، ۲۰۰۲: ج ۵، ص ۲۲۷ و ابن کلبی بی‌تا، ص ۱۴۹ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۰ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۴۲. علی بن عبید الله بن الحارت بن رحضة (ابن کلبی، بی‌تا، ص ۷۸)؛ ۴۳. عمرو بن أبي أوس بن سعد بن أبي سرح القرشی العامری (ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۳۶۱ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۴۴. عمیر بن أوس بن عتیک (ابن کلبی، بی‌تا، ص ۱۴۱ و ذہبی، ۱۴۰۷هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۴۵. فروة بن النعمان که «فروة بن الحارت بن النعمان بن یساف الأنصاری الخزرجی» نیز گفته شده است (صفدی، ۱۴۲۰هـ ج ۷، ص ۱۶۲ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۳۹۰)؛ ۴۶. کعب بن عمرو بن عبید بن الحارت (عسقلانی، ۱۴۱۲هـ ج ۵، ص ۴۵۳ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۴۷)؛ ۴۷. لقیط بن عصرالبلوی وی را «النعمان بن عصر» نیز خوانده اند (ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۶ و ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۴۷۰)؛ ۴۸. مالک بن أمیة بن عمرو السلمی (ذہبی، ۱۴۰۷هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۴۹. مالک بن عمرو السلمی (ابن اثیر، ۱۳۸۶هـ ج ۲، ص ۳۶۶ و بلاذری، ۱۳۹۴هـ ج ۴، ص ۲۷۹)؛ ۵۰. مخرمة بن شریح الحضرمی (رازی، ۱۲۷۱هـ ج ۸)؛ ۵۱. مخشی بن حمیر الأشجعی (ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۲۸ و ذہبی ۱۴۰۷هـ ج ۳۶۳ و طبرانی، ۱۴۰۴هـ ج ۷، ص ۱۴۸)؛ ۵۲. مسعود بن سنان بن الأسود (ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۴۳۵ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۵۳. معاذ بن عمرو بن قیس بن عبد العزی (عسقلانی، ۱۴۱۲هـ ج ۶، ص ۱۱۴)؛ ۵۴. معن بن عدی بن الجد بن عجلان بن ضبیعه البلوی (عینی، بی‌تا، ج ۳۴، ص ۱۰ و شبیانی، ۱۴۱۱هـ ج ۴، ص ۶ و بلاذری، ۱۳۹۴هـ ج ۱۰)؛ ۵۵. مخاشن الحمیری حلیف الأنصار (ابن هشام، ۱۳۸۳هـ ج ۵، ص ۲۰۵ و سمعانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۲۶)؛ ۵۶. النعمان بن عصربن الربیع بن الحارت بن أديم البلوی (زبیری، بی‌تا، ص ۲۳ و تستری، ۱۴۱۹هـ ج ۱۰، ص ۵۰۹)؛ ۵۷. هریم بن عبد الله بن علقمة بن المطلب بن عبد مناف القرشی المطلبی (تستری، ۱۴۱۹هـ ج ۱۰، ص ۵۰۹ و ذہبی، ۱۴۰۷هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۵۸. الولید بن عبد شمس بن المغیرة القرشی المخزومی (بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۰۹ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۵۹. ودقه بن إیاس بن عمرو بن غنم الأنصاری (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۵۵۲ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۴۹۷)؛ ۶۰. یزید بن أوس (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۵۶)؛ ۶۱. یزید بن ثابت بن الصحاک (ابن حبان، ۱۹۵۹م، ص ۳۴)؛ ۶۲. أبو حبة بن

غزیة الأنصاری المازنی النجاري (ابی احمد حاکم، بی تا، ج٤، ص٥٧ و ابن کلبی، بی تا، ص١٤٦ و بلاذری، ١٩٥٦م، ص٦٣)؛ ٦٤. أبو عقیل البلوی الأنصاری (ابن عبدالبر، ١٤١٢هـ ج٢، ص٥١ و ابن حبان، ١٣٩٥هـ ج٣، ص٢٥٤)؛ ٦٤. أبو علی بن عبد الله بن الحارث بن رحضة القرشی العامری (بلاذری، ١٣٩٤هـ ج٣، ص٤٢٦، ابن کلبی، بی تا، ٧٨)؛ ٦٥. سالم مولی أبی حذیفة بن عتبة بن ریبعة (ابن خلدون، بی تا، ج٢، ص٥٠٢ و بلاذری، ١٣٩٤هـ ج٣، ص٢٦٢)؛ ٦٦. أسد بن حارثة الأنصاری الساعدی (عسقلانی، ١٤١٢هـ ج١، ص١٦)؛ ٦٧. أوس بن عمرو الأنصاری المازنی (عسقلانی، ١٤١٢هـ ج١، ص٥٤)؛ ٦٨. بجیر بن العوام بن خویلد بن أسد بن عبد العزی القرشی الأسدی (بلاذری، ١٣٩٤هـ ج٣، ص٢٠٨ و ابن حزم، ١٤٢٤هـ ج١، ص١٣)؛ ٦٩. الحباب بن جزء بن عمرو الأنصاری (عسقلانی، ١٤١٢هـ ج١، ص٢٠٤)؛ ٧٠. ثابت بن قیس بن شماں بن مالک بن امرئ القيس الأنصاری الخزرجی (بلاذری، ١٩٥٦م، ص١١٠ و ذہبی، ١٤٠٧هـ ج١، ص٣٧٧ وخلیفہ بن خیاط بی تا، ص١٦٣) عصمة بن رئاب حنیف بن رئاب الأنصاری (صفدی، ١٤٢٠هـ ج٤، ص٢٣٥ و ابن اثیر بی تا، ج١، ص٦٧٠)؛ ٧١. شجاع بن وهب یا ابن أبی وهب (زرکلی، ٢٠٠٢م، ج٣، ص١٥٨ و ابن سعد، ١٩٦٨م، ج٣، ص٩٤ و بلاذری، ١٩٥٦م، ص١٠٩)؛ ٧٢. کلیب بن بشر بن تمیم؛ و ٧٣. یزید بن قیس؛ و ٧٤. صفوان بن أمية بن عمرو؛ و ٧٥. برادرش مالک بن أمية (ذهبی، ١٤٠٧هـ ج١، ص٣٧٧ و ابن اثیر، بی تا، ج١، ص٤٠٤ و ابن حبان، ١٣٩٥هـ ج٢، ص١٧٧-١٧٨)؛ ٧٦. عبد الله بن الحارث بن قیس بن عدی (ابن سعد، ١٩٦٨م، ج٤، ص١٩٥ و بلاذری، ١٩٥٦م، ص١٠٩)؛ ٧٧. عبد الله بن سهل بن عمرو (ذهبی، ١٤٠٧هـ ج١، ص٣٧٧ و ابن کثیر، بی تا، ج٦، ص٣٧٢)؛ ٧٨. سلیط بن سلیط بن عمرو؛ و ٧٩. ریبعة بن ابی خرشہ؛ و ٨٠. منقد بن عمرو بن عطیة (ابن حبان، ١٣٩٥هـ ج٢، ص١٧٧-١٧٨)؛ ٨١. عباد بن بشر بن وقش (ذهبی، بی تا، ج١، ص٣٣٩ و تمیمی، ١٩٥٩م، ص٤٨ و بخاری، ١٣٩٧هـ ج١، ص٦١)؛ ٨٢. مالک بن أوس (ابن کلبی بی تا: ١٤١ و بلاذری، ١٩٥٦م، ص١٠٩)؛ ٨٣. فروة بن العباس؛ و ٨٤. عبد الله بن عبد الله بن أبی بن سلوی (ابن کلبی بی تا: ٩٦ و بلاذری، ١٩٥٦م، ص١١٠)؛ ٨٥. عبد الله بن عتبان؛ و ٨٦. أوس بن ورقة؛ و ٨٧. عبد الله بن أنسیس (ابن حبان، ١٣٩٥هـ ج٢، ص١٧٧-١٧٨)؛ ٨٨. حارثة بن ضبیعہ بن حرام بن جعل

(ابن ماكولا، بي تا، ج ۷، ص ۳۸۵ و ابن اثير، بي تا، ج ۴، ص ۴۰۱)؛ ۸۹. بن مالك بن عامر انصاري (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۸۰ و صفحه ۱۴۲۰، ص ۴)؛ ۹۰. حزم بن ابي حزم القطعي البصري؛ و ۹۱. يزيد بن رقيش ابن رئاب که کنيه‌اش أبا خالد است (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۹۱ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۰۹)؛ ۹۲. سليمان بن عمرو ابن عبد شمس بن عبد (ابن كثير، بي تا، ج ۳، ص ۳۷۴، ابن حزم، ۱۴۲۴ هـ ج ۱، ص ۲۴)؛ ۹۳. حاجب بن بريدة إخوة عبد الأشهل بن جشم (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۴، ص ۳۶۴)؛ ۹۴. جزء بن عباس (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۴، ص ۳۷۸)؛ ۹۵. قيس بن عمرو بن زيد بن أمية بن زيد (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۸، ص ۳۴۸)؛ ۹۶. أبو حذيفة بن عتبة بن ربيعة بن عبد شمس بن عبد مناف اسمه هشام (رازي)، ۹۷. أبو جندل بن سهيل بن عمرو واسم أبي جندل عبد الله بن سهيل بن عمرو (خليفة بن خياط، بي تا، ص ۶۳ و ابي احمد حاكم، بي تا، ج ۳، ص ۵۸)؛ ۹۸. ومعمر بنو حزم بن زيد بن لودان؛ ۹۹. يزيد بن ثابت بن الضحاك بن زيد (ابن ماكولا، بي تا، ج ۲، ص ۵۰۲)؛ ۱۰۰. زيد بن الخطاب بن ثابت بن أرقم بن ثعلبة بن عدى بن العجلان البلوي (محى الدين نووى، بي تا، ج ۱، ص ۱۸۱)؛ ۱۰۱. زيد بن الخطاب بن نفيل برادر عمر بن الخطاب (ابن حزم، ۱۴۲۴ هـ ج ۱، ص ۲۱، زركلى ۲۰۰۲م، ج ۳، ص ۵۸ و شبيانى)، ۱۰۲. سعيد بن زيد (بخارى، بي تا، ج ۳، ص ۴۷۲)؛ ۱۰۳. حزن بن أبي وهب بن عمرو بن عائذ المخزومي (رازي)، ۱۰۴. الحارث بن كعب بن عمرو (شافعى، ۱۹۹۵م، ج ۵۸، ص ۱۸۶ و ذهبي)، ۱۰۵. سعد بن حبان که البتھ جماز يا جبان گفته شده است. (ابن اثير، بي تا، ج ۱، ص ۴۲۷)؛ ۱۰۶. سعد بن عمرو بن عبيد الانصارى النجاري (ابن اثير، بي تا، ج ۱، ص ۴۳۷)؛ ۱۰۷. سعيد بن الربيع الانصارى (ابن اثير، بي تا، ج ۱، ص ۴۴۸)؛ ۱۰۸. سهل بن عدى التميمى (ابن اثير، بي تا، ج ۱، ص ۴۸۷)؛ ۱۰۹. ضمرة بن عياض (ابن كثير، بي تا، ج ۳، ص ۳۷۴ و ذهبي)، ۱۱۰. عمرو بن الأسود بن عامر (ابن اثير، بي تا، ج ۱، ص ۸۲۶)؛ ۱۱۱. قيس بن عبيد بن الحرير بن عبيد (ابن اثير، بي تا، ج ۱، ص ۸۲۳)؛ ۱۱۲. النعمان بن عبيد (ابن ماكولا، بي تا، ج ۱، ص ۲۸۴)؛ ۱۱۳. أبو حنة غزية بن عمرو من بنى مازن ابن النجار (بلاذری،

١٩٥٦م، ص ١١٠. ابن کلبی، بی تا، ص ١٤٦؛ ١١٤. وايلة بن حارثة بن ضبیعہ ابن حرام بن جعل پدر نعمان بن عصر (ابن ماکولا، بی تا، ج ٧، ص ٣٨٥ و سمعانی، ١٤٠٨ھـ، ج ٥، ص ٥٦٩)؛ ١١٥. عباد بن الحارت الأنصاری (بلاذری، ١٩٥٦م، ص ١١٠)؛ ١١٦. أبي العاص بن الربيع یا لقیط بن عبد العزی (شیبانی، ١٤١١ھـ، ج ١، ص ٢٢٩)؛ ١١٧. ابو مرشد کناز بن الحصین الغنوی (ذهبی، ١٤١٣ھـ، ج ١، ص ٢٥٨)؛ ١١٨. دادویه الفارسی (ابن کثیر بی تا، ج ٦، ص ٣٦٩)؛ ١١٩. حسن بن مالک بن بحینة الاذدی؛ و ١٢٠. مالک بن ربيعة حلیف بنی عبد شمس؛ و ١٢١. أبو قیس بن الحارت بن قیس السهمی (ابن هشام، ١٣٨٣ھـ، ج ٥، ص ١١)؛ ١٢٢. عمر بن اوس؛ و ١٢٣. مروان بن العباس؛ و ١٢٤. خباب بن زید (ابن کلبی، بی تا، ص ١٤٣ و ابن هشام، ١٣٨٣ھـ، ج ٥، ص ١١)؛ ١٢٥. سهل بن حمان؛ و ١٢٦. محاسن بن حمیر؛ و ١٢٧. ثابت بن خالد (ذهبی، ١٤٠٧ھـ، ج ١، ص ٣٧٧)؛ ١٢٨. عبد الله بن حفص ابن غانم (طبری، ١٤٠٧ھـ، ج ٢، ص ٥١٢)؛ ١٢٩. وهب بن حزن بن أبي وهب المخزومی؛ و ١٣٠. مالک بن ربيعة؛ و ١٣١. حبیب بن اسید بن جاریة التقفی؛ و ١٣٢. حبیب بن زید (ذهبی، ١٤٠٧ھـ، ج ١، ص ٣٧٤-٣٧٣)؛ ١٣٣. ایاس بن البکیر الکنانی (بلاذری، ١٩٥٦م، ص ١٠٩)؛ ١٣٤. سراقة بن کعب بن عبد العزی النجاري (ابن کلبی، بی تا، ص ٩١)؛ ١٣٥. العاصی بن ثعلبة الدوسی (بلاذری، ١٩٥٦م، ص ١١٠)؛ ١٣٦. خالد بن اسید بن ابی العیص (بلاذری، ١٣٩٤ھـ، ج ٢، ص ٢٤٢)؛ ١٣٧. القطبون الملک واسمہ عامر بن عامر بن ثعلبة بن حارثة (صحابی، بی تا، ج ١، ص ١٧٨)؛ ١٣٨. عرفه بن غزیه بن عمرو مبذول (ابن کلبی، بی تا، ص ٩٠)؛ ١٣٩. عبد الله بن ثابت بن عتیک بن حرام (ابن کلبی، بی تا، ص ١٠٠)؛ ١٤٠. عباد بن الحارت بن عدی بن الأسود بن الأصرم (ابن کلبی، بی تا، ص ١٣٩)؛ ١٤١. عکاشة بن محسن ابن حرثان الاسدی (محیی الدین نووی، بی تا، ج ١، ص ١٨١ و ابن اثیر، ١٤٠٨ھـ، ج ٦، ص ٣٦٩)؛ ١٤٢. رافع بن سهل بن رافع بن عدی الأنصاری (صالحی، ١٤١٤ھـ، ج ٤، ص ١٠٠ و ابن حبان، ١٣٩٥ھـ، ج ٢، ص ١٧٧)؛ ١٤٣. الحكم بن سعید بن العاص بن أمیة (ذهبی، ١٤٠٧ھـ، ج ٣، ص ٦٣ و بلاذری، ١٩٥٦م، ص ١٠٩)؛ ١٤٤. الطفیل بن عمرو بن طریف بن العاص (ابن اثیر، ١٤٠٨ھـ، ج ٦، ص ٣٧١)؛ ١٤٥. عائذ بن ماعص بن قیس (ابن عبد البر، ١٤٢١ھـ، ج ١، ص ٢٤١ و بلاذری، ١٩٥٦م، ص ١١١ و ابن اثیر، ١٣٨٦ھـ)

،ج، ۲، ص ۳۶۶)؛ ۱۴۶. عمارة بن حزم بن زید بن لَوْذَان الْأَنْصَارِي (ابن سعد، ۱۹۶۸م: ج ۳، ص ۴۸۶ و بخاری، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۹۴)؛ ۱۴۷. عبد الله بن سعید بن العاص بن أمية بن عبد شمس بن عبد مناف؛ و ۱۴۸. قيس بن الحارث بن عدی (ابن عبد البر، ۱۴۲۱هـ ج ۱، ص ۳۹۷ و عسقلانی، ۱۴۱۲هـ ج ۵، ص ۳۵۰ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۱۴۹. سهیل بن عمرو بن عبد شمس بن عبد؛ و ۱۵۰. ابو اسید مالک بن ربيعه ساعدی؛ و ۱۵۱. حکم بن ابی احیجه.

در میان شهدای یمامه، رجال‌شناسان نام افرادی را در زمرة شهدای دیگر غزوات دانسته که از آن جمله می‌توان به لیست زیر اشاره کرد:

۱. ثابت بن خالد بن عمرو بن النعمان بن خنساء که در شهادتش در بئر معونه و یا روز یمامه اختلاف است (ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۶۰)؛ ۲. الحكم بن سعید بن العاص بن أمية؛ در اینکه وی در یمامه به شهادت رسیده یا در نبرد موته و یا در جنگ بدر کشته شده، اختلاف است (شافعی، ۱۹۹۵هـ ج ۲۹، ص ۵۹ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۰۹)؛
۳. طفیل بن عمرو بن طریف بن العاص الدوسی؛ در اینکه وی در یرموک در خلافت عمر کشته شده و یا در روز یمامه اختلاف است (عینی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۰۸ و زرکلی ۲۰۰۲م، ج ۳، ص ۲۲۷ و صحاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۸)؛ ۴. عائذ بن ماعض بن قیس انصاری خزرچی؛ گفته شده وی در نبرد یمامه شهید شده است (ابن اثیر، ۱۳۸۶هـ ج ۲، ص ۳۶۶ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۱) برخی دیگر گفته‌اند وی در بئر معونه کشته شد. همچنین برخی دیگر بر این باورند که برادرش معاذ در بئر معونه و خودش در نبرد یمامه شهید شده است (عسقلانی، ۱۴۱۲هـ ج ۳، ص ۴۹۵ و ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۵۹۵)؛ ۵. عبد الله بن عتیک را برخی از آن دسته کسانی شمرده‌اند که در جنگ صفین همراه حضرت علی بن ابی طالب علیهم السلام بوده و برخی دیگر وی را از مقتولین نبرد یمامه نام بردۀاند (ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، و زرکلی ۲۰۰۲م، ج ۴، ص ۱۰۲)؛ ۶. عبد الله بن عبد الله بن ابی بن سلول هرچند اکثر رجالیان وی را از شهدای یمامه می‌دانند (صفدی، ۱۴۲۰هـ ج ۵، ص ۴۲۴ و محمد بن حبیب بغدادی، بی‌تا، ص ۴۰۳ و مجتبی الدین نووی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۹ و

صالحی، ۱۴۱۴ هـ ج ۱۱، ص ۳۸۶ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ ج ۳، ص ۲۴۵ و ابن اثیر، ۱۳۸۶ هـ ج ۲، ص ۳۶۷). اما بخاری و بلاذری وی را از مقتولین روز جوئه برمی‌شمارند (بخاری، ۱۳۹۷ هـ ج ۱، ص ۶۰ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۰):  
 ۷. عمارة بن حزم بن زید بن لودان الانصاری الخزرجی برخی وی را شهید واقعه یمامه (بخاری، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۹۴ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۳، ص ۱۱۴ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ ج ۳، ص ۲۹۴) و برخی دیگر او را از شهدای جنگ بدر دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۰۷ هـ ج ۳، ص ۷۱ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۷۴). هر چند برخی او را متوفای دوران حکومت معاویه برشمرده‌اند (ابن کلبی، بی‌تا، ص ۹۱ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۰): ۸. عبد الله بن سعید بن العاص بن أمیة بن عبد شمس بن عبد مناف میان شهادت وی در بدر، یمامه و موته اختلاف است (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۲۷۹):  
 ۹. قیس بن الحارث بن عدی بن جشم بن مجده عن حارثة در شهادتش در یمامه (ابن حزم، ۱۴۲۴ هـ ج ۱، ص ۲۰ و ابن کلبی، بی‌تا، ص ۷۶ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۰ و عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ ج ۵، ص ۳۵۰) و یا احمد (ابن اثیر، ۱۳۸۶ هـ ج ۲، ص ۳۶۶ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۲۴، ص ۲۱۰) اختلاف است: ۱۰. سهیل بن عمرو بن عبد شمس بن عبدود بن القرشی العامری در اینکه وی در یرمومک کشته شده و یا در یوم الصفر و یا اینکه بر اثر طاعون فوت نموده اختلاف است (ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۵ و ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۰): ۱۱. صفوان بن أمیة ابن خلف، ذهبی وی را متوفای سال ۱۴ هجری می‌داند (ذهبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶۲) که در فوق در لیست شهدای یمامه جای گرفته است: ۱۲. حکم بن ابی احیجه در اینکه در روز موته یا در یمامه کشته شده اختلاف است (بلاذری، ۱۳۹۴ هـ ج ۲، ص ۲۳۳): ۱۳. ابو اسید مالک بن ریبعه ساعدی؛ بلاذری می‌گوید وی در سن سی سالگی در مدینه فوت کرده است (بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۰ و ابن کلبی، بی‌تا، ص ۹۵): ۱۴. ابو دجانه انصاری یا همان سماک بن خرشه را نیز علاوه بر اینکه گفته شده وی از شهدای جنگ یمامه است اما برخی وی را از شاهدان صفین دانسته‌اند (عباس قمی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۲): ۱۵. سائب بن عثمان بن مطعون به گواهی برخی وی از میان مهاجرین اولین کسی بوده که پس از جنگ بدر در مدینه فوت کرده است (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۳۲۴ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۶، ص ۳۴۷).

## ۲.۷ بررسی نام قراء سبعه و عشره و رجال اسانید آنان

با وجود عرضه لیست شهدای قاری نبرد یمامه به رجال اسانید قاریان هفتگانه و حتی دهگانه و با وجود واکاوی فراوان در میان کتاب‌های القراءات، نام هیچ یک از شهدای یمامه ذیل عنوانین قاریان یا اسانید القراءات یافت نشد تا دلیلی بر قاری بودن برخی از شهدای باشد (ر.ک: ابن جزری، بی‌تا: ج ۱، صص ۹۹-۱۹۸ و ابن مجاهد، ۱۴۰۰ هـ، صص ۵۳-۱۰۱ و عمرو الدانی، ۱۴۰۴ هـ، صص ۷-۱۳ و سیوطی، ۱۳۹۴ هـ، ج ۱، ص ۱۹۸ و شرعی، ۱۴۱۹ هـ، صص ۳۰-۳۱).

## ۳.۷ بررسی قاریان مطابق لیست ابو عبیده

لیست قاریانی را که ابو عبیده بدان اشاره کرده، بدین شرح است:

«خلفاء اربعه، طلحه، سعد بن أبي وقاص، عبد الله بن مسعود، حذيفه بن يمان، سالم مولی أبي حذيفه، أبو هریره، عبد الله بن السائب بن أبي السائب المخزومی، عبدالله زبیر، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عائشة، حفصة، أم سلمة و از انصار عبادة بن صامت، معاذ بن جبل، مجمع بن جارية، فضالة بن عبید، مسلمہ بن مخلد» (عسقلانی، ۱۳۷۹ هـ، ج ۱۴، ص ۲۱۴ و سیوطی، ۱۳۹۴ هـ، ج ۱، ص ۱۹۵ به نقل از کتاب القراءات ابو عبیده، مناع القطلان بی‌تا، ص ۱۱۷). اینها افرادی هستند که در زمان پیامبر موفق به حفظ قرآن شده‌اند. اما برخی، به نقل از ابو عبیده اشخاص دیگری را بر این لیست افزوده‌اند که عبارتند از:

«تمیم داری، عقبة بن عامر، أبو موسی الأشعري (سیوطی، ۱۳۹۴ هـ، ج ۱، ص ۱۹۵ و عسقلانی، ۱۳۷۹ هـ، ج ۱۴، ص ۲۱۴) ابو زید الانصاری، أبو أيوب انصاری، أم ورقه بنت عبد الله بن الحارث الانصاری، عبد الله بن عیاش بن أبي ربیعة» (شرعی، ۱۴۲۹ هـ، ص ۲۹ به نقل از کتاب القراءات ابو عبیده).

چنانکه ملاحظه می‌شود این لیست نیز نمی‌تواند دلیل محکمی بر شهادت قاریان بسیاری در نبرد یمامه باشد؛ زیرا از میان قاریان فوق، تنها «سالم» در کتب رجالی و القراءات به «قاری» مشهور است. در شرح حال عقبه هیچ سخنی دال بر

قاری بودن وی نرفته است (عسقلانی ۱۴۱۲ هـ: ج ۲، ص ۲۵۸ و ابن اثیر بی تابع ۱، ص ۷۷۶). ضمن آنکه اگر مراد از عقبه بن عامر در لیست ابو عبیده یا ذهبی، همان قاری و کاتب و شاعری باشد که در دوران معاویه در مصر در سال ۵۸ هجری فوت کرده است (عسقلانی، ۱۴۰۴ هـ: ج ۷، ص ۲۱۶ و زرکلی ۲۰۰۲م، ج ۴، ص ۲۴۰ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ: ج ۳، ص ۲۸۰)، باز هم از لیست شهدای قاری جنگ یمامه خارج است. نیز باید در نظر داشت که این افراد در لیست ابو عبیده نبوده بلکه ابوداود نام آنان را به لیست افزوده است (عسقلانی، ۱۳۷۹ هـ: ج ۱۴، ص ۲۱۴).

اگر در لیست فوق منظور از طلحه، همان طلحه بن عتبه انصاری باشد، وی نیز از شهدای یمامه است اما مترجمان در شرح حال وی سخن از قاری بودن او به زبان نیاورده‌اند (ابن عبد البر ۱۴۱۲ هـ: ج ۱، ص ۲۳۳ و صفتی ۱۴۲۰ هـ: ج ۱۶، ص ۲۷۳ و ابن کثیر بی تابع: ج ۶، ص ۳۷۴). دیگر قراء نیز در نبرد یمامه یا نبوده‌اند و یا اگر حضور داشته‌اند، رجال شناسان تاریخ وفاتشان را غیر از تاریخ جنگ یمامه ثبت کرده‌اند؛ به عنوان نمونه ابو ایوب انصاری متوفی سال ۵۲ هجری (زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۲، ص ۲۹۵ و ابن عبد البر ۱۴۱۲ هـ: ج ۱، ص ۵۱۰)؛ عباده بن صامت متوفی ۳۴ هجری (زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۲، ص ۲۹۵ و ابن عبد البر ۱۴۱۲ هـ: ج ۱، ص ۵۱۰)؛ و مجمع بن جاریه متوفی سال ۵۰ هجری است (زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۳، ص ۲۸۰ و ابن عبد البر ۱۴۱۲ هـ: ج ۱، ص ۲۴۳). همچنین فضاله بن عبید متوفی سال ۵۳ هجری (زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۵، ص ۲۸۰ و ابن عبد البر ۱۴۱۲ هـ: ج ۱، ص ۴۲۳) و یا مسلمه بن مخلد متوفی سال ۶۲ هجری (زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۵، ص ۱۴۶ و ابن عبد البر ۱۴۱۲ هـ: ج ۱، ص ۳۹۰) و یا ام ورقه متوفی دوان خلافت عمر (ابن عبد البر ۱۴۱۲ هـ: ج ۱، ص ۴۳۷ و زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۷، ص ۲۲۴)؛ عبد الله بن عیاش ابی ربیعه نیز متوفی حدود سال ۷۰ به بعد (ذهبی ۱۴۰۴ هـ: ج ۱، ص ۵۸) و در نهایت از عبد الله بن سائب متوفی سال ۷۰ هجری (ابن جزری بی تابع: ص ۱۸۶، مزی ۱۴۰۰ هـ: ج ۱۴، ص ۵۵۳ و ذهبی ۱۴۰۴ هـ: ج ۱، ص ۴۸) یاد شده است. شایان ذکر است که در ذیل توصیف این افراد به قاری بودن هریک از آنان تصریح شده است.

#### ۴.۷ بررسی ادله قائلان به کثرت شهدای قاری

بررسی دلیل نخست؛ همان طور که اشاره شد سخن عمر به عنوان نخستین و مهم‌ترین دلیل مطرح شده از سوی قائلان شمرده می‌شود. برخی ذیل سخن عمر پس از پایان جنگ یمامه توضیحاتی به عنوان شرح ذکر کردند که قابل توجه است و در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

(الف) ابن حجر در شرح سخن عمر طبق نسخه روایت سفیان بن عینه می‌گوید: «ذیل نام «قراء» به نام سالم با این الفاظ «فلما قتل سالم مولی أبی حذیفة خشی عمر أَن يذهب القرآن، فجاء إلى أبی بکر» تصریح شده است زیرا سالم جزو آن چهار نفری بود که پیامبر دستور اخذ قرآن از آنان را داده بودند» (عسقلانی ۱۳۷۹ هـ: ج ۱۴، ص ۱۹۳ و سیوطی ۱۳۹۴ هـ: ج ۲، ص ۴۵۸).

(ب) ابن حجر در ادامه در شرح «فیذهب کثیر من القرآن» از این عبارت عمر دریافته است که بسیاری از کشته‌شدگان حافظ قرآن بودند. سپس می‌نویسد: «البته شاید مراد این نباشد که تمام شهدا حافظ بوده‌اند، بلکه ممکن است جمعی از آنان حافظ بوده باشند» (عسقلانی، ۱۳۷۹ هـ: ج ۱۴، ص ۱۹۳).

ابتدا باید گفت عمر در کلام خود، به طور مبهم تنها به شهادت قراء اشاره کرده است، نه آنکه تعداد دقیق شهدای قاری را تعیین کرده باشد. البته مورخان و رجالیان و دیگر اندیشمندان نیز در استنادات خود فقط به تعداد زیادی از قراء شهید اشاره کرده و در هنگام اثبات شدت کشتار قراء، گاه آمار مبالغه‌آمیزی را ذکر کرده‌اند آن هم به دلیل شهادت سالم بن معقل، زیرا فقط او به صراحت در اخبار، قاری و حافظ معرفی شده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با کشته شدن یکی از آن چهار نفری که پیامبر دستور اخذ قرآن از آنان را داده بود، عمر نگران شد که اگر قرآن گردآوری نشود، ممکن است دیگر قاریان نیز از دست بروند و قرآن زایل شود. و این به معنای اهتمام عمر در جمع‌آوری قرآن به دلیل کشته شدن سالم در جنگ یمامه است.

به نظر می‌رسد با توجه به شواهد و قرایین تاریخی و روایی در تعداد شهداًی قاری در یمامه بزرگ‌نمایی شده است، به دلیل برجسته‌سازی کار خلفاً در راستای گردآوری قرآن (در این زمینه ن.ک: عاملی - اسلامی ۱۳۷۷ش: صص ۱۰۰-۱۰۹). همانگونه که برخی از اهل سنت نیز پس از بیان گفته عمر چنین نتیجه‌های را ادعا نموده‌اند (سلیمان العبید، بی‌تا، ص ۳۹).

از سوی دیگر شبیه به این بزرگ‌نمایی‌ها را می‌توان در هنگام شرح حال سالم دید، هنگامی که از اعتماد و تکیه عمر به وی مطلع می‌شویم تا جایی که عمر در وصف او می‌گوید: «اگر سالم زنده بود او را در سوری می‌گماردم» (ابن کثیر بی‌تا: ج ۳، ص ۲۰۰۲ و زرکلی ۳۷۰ و ص ۲۵؛ وصفی ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۲۵) یعنی خلافت را به او می‌سپردم (ابن کثیر بی‌تا، ج ۶ ص ۳۷۰) و یا هنگامی که در تاریخ با همراهی عمیق سالم با سیاست‌های عمر مواجه می‌شویم، آن هنگام که وی بر در خانه علی بن ابی طالب علیّاً برای گفتن بیعت رفت (شبستری ۱۳۷۹ش: ص ۴۲۷) و یا هنگامی که در روایات می‌بینیم که پیامبر بر آموختن قرآن از او و سه تن دیگر تأکید کرده‌اند، و یا آن هنگام که برخی سالم را اولین جامع و مدون قرآن می‌دانند که بر گردآوری آن اهتمام ویژه‌ای داشته است، به‌طوری‌که از وی نقل کرده‌اند که گفته است: «تا قرآن را جمع‌آوری نکرده باشم ردا بر دوش نمی‌افکنم!».

حال سؤالی که در ذهن شکل می‌گیرد این است که چرا تمام منابع دست اول روایی، تاریخی و رجالی نام سالم بن معقل را به عنوان یکی از قاریان به نام آورده‌اند، در حالی که به گفته ذهبي قرائت وی به دست ما نرسیده است، یا حتی سخنی از دیگر قاریان هم‌طراز با سالم در این کتب به چشم نمی‌آید؟ آیا واقعاً می‌توان به این اخبار اعتماد کرد؟ در حالی که اهل سنت خود به این انحصار در فراغیری قرآن از معاذ بن جبل، ابن مسعود، ابی بن کعب و سالم چندان پایین‌نبوده و در بیان توجیه آن گفته‌اند: «تعداد کسانی که قرآن را فرا گرفتند و یا جمع

نمودند از این تعداد بیشتر بود و روایت انس بن مالک ناشی از علاقه شدیدش به این چهار تن بوده است یا اینکه کسی دیگر در ذهنش نبوده است!» (سیوطی ۱۳۹۴ هـ: ج ۲، ص ۴۶۱ و عسقلانی، ۱۳۷۹ هـ: ج ۱۴، ص ۲۱۴). از این‌رو شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که کشته شدن سالم بن معقل که در واقع از نگاه عمر بن خطاب یکی از کاندیداهای خلافت بوده است و نیز خلاً وجود مصحف برای خلیفه مسلمین (ابوبکر) دلیلی شد تا عمر پیشنهاد جمع قرآن را به ابوبکر بدهد نه به دلیل شهادت جمع بسیاری از قاریان.

بررسی دلیل دوم؛ بررسی شعارهایی است که برخی، وجود آن‌ها را دلیلی بر قاری بودن کشته‌شدگان دانسته‌اند. طبق برخی اسناد، رجال بن عنفوه نام یکی از یاران مسیلمه است که ابتدا اسلام آورد و سوره بقره را قرائت کرد، اما پس از بازگشت به یمامه مرتد شد و به حمایت از مسیلمه روی آورد. به همین جهت شعار آن روز مسلمانان یا اصحاب سوره بقره بوده است (ر.ک: بلاذری، ۱۹۵۶م، صص ۱۰۵-۱۰۸). شاید در واقع مسلمین خواسته‌اند با این شعار به مقابله با عنفوه پردازند.

در رابطه با شعار دوم باید یادآور شد که گفته سالم نیز تأییدی بر قاری بودن او است که به آن اشاره شد. اما در رابطه با شعار سوم گفتني است خطاب حذیفه به مسلمانان که گفت: «يا اهل القرآن» شاید متوجه این نکته باشد که چون سپاه مسلمین در برابر سپاه مرتدین قرار داشت و به تبع آن، مسلمین مدافع و محافظ قرآن بوده‌اند، حذیفه از یاران مسلمان خود خواست که با روی آوردن به میدان جنگ به دفاع از قرآن پردازند و با عمل کردن به دستورات قرآن (که از جمله آنها جهاد است) آن را مزین نمایند.

بررسی دلیل سوم؛ مبنی بر اهتمام صحابه به فraigیری قرآن صحیح است و دلایل فراوان و محکمی دال بر این موضوع وجود دارد. که از آن جمله دستور پیامبر ﷺ به قاریان است تا به شهرها و قبایل تازه مسلمان شده بروند و به نشر و ترویج قرآن پردازنند. و از سوی دیگر حافظه مردم، اولین و در دسترس‌ترین ابزار جهت حفظ قرآن به شمار می‌رفته است، در نتیجه در حین ثبت قرآن توسط کاتبان وحی، عده‌ی دیگری از مسلمانان وقت خود را صرف حفظ آن در

صدور خود می‌نمودند. اما متأسفانه مورخین و محدثین تنها نام هفت تن از قراء یا حفاظ را ثبت نموده‌اند که عبارتند از: «علی بن ابیطالب علی اللہ عنہ، عثمان بن عفان، ابن مسعود، ابی بن کعب، زید بن ثابت، ابو موسی اشعری و ابو درداء» (ذهبی، ۱۴۰۴ هـ ص ۴۲).

باید به این نکته توجه داشت که ذهبی پس از ذکر نام هفت تن از قاریان صحابی، معاذ بن جبل و ابی زید و سالم مولی ابی حذیفه و عبدالله بن عمر و عتبه بن عامر (البته اگر بتوان گفت شاید مراد همان عقبه بن عامر باشد) را نیز نام می‌برد و تصریح می‌کند که قرائت ایشان به دست ما نرسیده است (ذهبی، ۱۴۰۴ هـ ص ۴۲).

بررسی دلیل چهارم؛ باید گفت در رابطه با معلمان قرآنی که در بئر معونه کشته شده‌اند، اطلاع دقیق و جامعی بر نام این افراد وجود ندارد، مورخان در آنجا نیز تنها به ذکر کلیات پرداخته و تعداد قراء شهید را هفتاد تن ذکر کرده‌اند که البته بررسی صحت و سقم آن محتاج مجال ویژه‌ای است.

از سوی دیگر شاید دلیل مبالغه در تعداد کشته‌شدگان قاری را بتوان در چند مسأله مورد تأمل قرار داد:

(الف) به خاطر بیان عظمت حادثه بوده به طوری که در هنگام بیان تعداد سپاهیان دشمن نیز این مبالغه دیده می‌شود. چه آنکه چگونه ممکن است مسیلمه در عرض چند سال نیروی عظیمی را گرد خود جمع کرده باشد که تنها ۴۰ هزار نفر آنان جنگجو بوده‌اند. جدای از زنان و کودکان و کهنسالانی که در آن جامعه وجود داشته‌اند و حال آنکه پیامبر اسلام پس از ۲۳ سال تبلیغ چنین نیروی انسانی را به دین خود در آورد، چنانکه گفته شده در غزوه تبوک سپاه اسلام سی هزار نفر بوده است (ابن مطهر، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۰).

(ب) برخی به قرینه اینکه اکثر کشته‌شدگان از صحابه پیامبر صلوات اللہ علیہ و سلیمانی بوده‌اند، آنان را قاری یا حافظ قرآن دانسته و در توجیه این ادعا گفته‌اند: «از سعید بن مسیب نقل شده است که در روز یمامه ۷۰ تن از انصار کشته شده‌اند. پس شکی نیست که اکثر آنان حافظ قرآن بوده‌اند یا تمام قرآن را و یا بعضی از آن را در حافظه داشتند. بنابراین تمام آنان حافظ برای کل قرآن محسوب می‌شدنند» (شرعی، ۱۴۱۹ هـ ص ۹۸).

البته باید پرسید که آیا صحابی بودن دال بر حافظ قرآن بودن است؟ چه بسا افرادی که جزو صحابه پیامبر بودند اما در این خصوص نصیبی نداشتند و یا حتی حافظه حفظ آن را نداشتند. ضمن آنکه عنوان حافظ منصرف به کسی است که حافظ کل یا بیشتر آن باشد، نه به کسی که چند سوره را حفظ باشد. گفتنی است اکثر کسانی که شهدای قاری را ۷۰ تن ذکر کرده‌اند، در استناد ادعای خود به سخن قرطبي چنگ زده‌اند که وی گفته است به قرینه کشته شدن ۷۰ تن از قرا در بئر معونه، رقم شهدای قاری در یمامه نیز ۷۰ تن است. و این مطلب بسیار عجیبی است زیرا در کلام قرطبي سخنی از شهادت ۷۰ تن از قراء در جنگ یمامه نیامده است بلکه وی از قتاده روایتی نقل نموده که در آن به بیان تعداد کشته‌شدگان از انصار در احده، بئر معونه و یمامه پرداخته است (قرطبي ۱۴۲۳ هـ: ج ۴، ص ۲۱۹) که بخاری و برخی دیگر همین مطلب را با ذکر سند آورده‌اند (بخاری، ۱۴۰۱ هـ: ج ۱۳، ص ۴۵۷ و شافعی، ۱۹۹۵ م، ج ۲۶، ص ۱۰۴ و ابن کثیر، ۱۳۹۶ هـ: ج ۳، ص ۹۱). اما برخی ناقلين سخن وی، به جای ذکر واژه «أنصار»، کلمه «قراء» را به کار برده‌اند (سیوطی ۱۳۹۴ هـ: ج ۱، ص ۱۹۳ و زرقانی ۱۹۹۶ م، ج ۱، ص ۲۴۲ و ابن حجر، ۱۳۷۹ هـ: ج ۱۴، ص ۲۱۴).

بدین ترتیب با استدلال و استناد به سخن قرطبي شهدای قاری در یمامه را هفتاد تن بر شمرده‌اند. شاید بتوان گفت دلیل این ادعا همانگونه که بیان شد، حافظ یا قاری دانستن انصار بوده باشد.

(ج) هرچند ممکن است وجود برخی از بزرگان صحابه در این جنگ، باعث شده باشد تا تاریخ‌نگاران در عدد قاریان شهید مبالغه کنند، چرا که در میان لشگریان اسلام رشادت‌های بزرگانی چون عمار بن یاسر (حاکم نیشابوری ۱۴۱۱ هـ: ج ۱۳، ص ۱۱۷) دیده می‌شود و یا شاید شهادت برخی از قاریان صحابه همچون ثابت بن قیس خطیب پیامبر ﷺ و یا همانگونه که اشاره شد، شهادت سالم موجب این ادعا شده باشد. و یا حتی ممکن است شهادت برخی از صحابه برجسته یا مشهور مانند: زید بن خطاب برادر خلیفه دوم، و یا کشته شدن یزید بن ثابت

برادر زید بن ثابت و یا حتی شهادت سائب بن عوام برادر زیر بن عوام که از کاتبان شمرده می‌شد و یا کشته شدن حذیفه بن عتبه و دیگران موجب این آشفتگی در آمار شهدای قاری شده باشد.

(د) و نیز شاید بتوان ادعا کرد از آنجا که در آن روز پرچمدار مهاجران، سالم و پرچمدار انصار ثابت بن قیس بود (طبری، ۱۴۰۷ هـ: ج ۲، ص ۲۷۸) که هر دو از قاریان و کاتبان وحی شمرده شده‌اند موجب چنین برداشت مبالغه‌آمیزی شده است. این سخن را گفتۀ ابن حجر که در بالا ذکر شد، نیز تأیید می‌کند.

به هر حال آنچه از واکاوی منابع گوناگون می‌توان نتیجه گرفت تعداد مجموع شهدا اعم از قاریان، انصار، مهاجرین و حتی تازه مسلمان شدگانی است که در نبرد یمامه کشته شده‌اند که این تعداد مطابق آنچه به ثبت رسیده است بالغ بر ۱۶۰ تن می‌باشد. البته پس از مطالعه شرح حال هریک از آنان تنها دو تن از شهدا هستند که به صراحة بر قاری بودنشان تأکید شده است که عبارتند از «سالم بن معقل» و «ثابت بن قیس». (شبستری ۱۳۷۹ش: ص ۲۱۷ و شافعی ۱۹۹۵م: ج ۴، ص ۳۲۷).

اما یک واقعیت را نباید از نظر دور داشت و آن ثبت ناقص برخی از اخبار به دلیل کمبود امکانات گزارشی است. از این رو می‌توان با وجود برخی قراین، بر لیست شهدای قاری افزود که از جمله این قراین عبارتند از:

#### • کتابت وحی:

عبدالله بن عبدالله بن ابی بن سلول را جزو کاتبان وحی ذکر کرده‌اند. بدین ترتیب شاید بتوان وی را از جمله حفاظ قرآن ذکر نمود، اما در این صورت با یک مشکل مواجه هستیم و آن درج نام او در لیست شهدای جوثر است که قبلًا به آن اشاره شد.

#### • صفاتی که دلالت بر قاری بودن دارند:

الف) صفت «من فضلاء الصحابة»: اگر همین صفت را قرینه بر فراغیری قرآن چه به صورت حفظ آن و چه به صورت فهم آیات بدانیم، با توجه به محدودیت علوم در صدر اسلام و اینکه افضلیت افراد بر مبنای قرآن و

معارف آن سنجیده می‌شده است، شاید بتوان افراد دیگری را بر لیست قاریان شهید افزود که عبارتند از: ابوحدیفه بن عتبه (ابن اثیر بی تاج، ج ۲، ص ۱۹۵ و ابن کلبی بی تاج: ص ۷۷)؛ عکاشة بن محسن ابن حرثان (ابن کثیر ۱۴۰۸ هـ: ج ۶، ص ۳۷۲)؛ عبدالله بن عبدالله بن ابی بن سلول (ذهبی ۱۴۰۷ هـ: ج ۱، ص ۳۷۷ و ابن اثیر بی تاج: ج ۲، ص ۱۳۳) سماک بن خرشة یا ابو دجانة (شبستری ۱۳۷۹ ش: ج ۱، ص ۱۹ و ابن اثیر بی تاج: ج ۲، ص ۴۷۸) و عبد الله بن سهیل العامری (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ: ج ۱، ص ۲۸۱ و ابن اثیر بی تاج، ج ۲، ص ۱۲۲).

ب) صفت «عبادت و اجتهاد»: سائب بن عثمان بن مظعون (ذهبی ۱۴۱۳ هـ: ج ۱، ص ۱۵۵ و صفدی ۱۴۲۰ هـ: ج ۱، ص ۳۴۷) که علاوه بر دارا بودن صفت فوق، صفت «عبدًا مجتهداً» را نیز داشته است. این صفت به اذعان برخی گواه بر قاری بودن است (ثایی: ۳۵) که البته در صورت قاری بودن وی، برخی از رجالیان در شهادتش در یمامه تردید دارند.

#### • سایر قرائی:

عبد بن بشر را شاید بتوان به سه قرینه از قاریان برشمرد زیرا:

۱. در روایتی از عایشه است که «سه تن از انصار از عبد الأشهل فاضل ترینند؛ سعد بن معاذ و أسميد بن حضیر و عبد بن بشر» (ذهبی ۱۴۰۷ هـ: ج ۱، ص ۳۷۷ و ابن اثیر بی تاج، ج ۱، ص ۵۷۰ و ابن سعد ۱۹۶۸ م: ج ۳، ص ۴۴۰)؛
۲. وی بدست مصعب بن عمیر که از قاریان مشهوری بوده مسلمان شد (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۳، ص ۴۴۰)؛
۳. و از طرفی در روایتی است که پیامبر ﷺ هنگام شنیدن صوت عباد (ابن اثیر بی تاج، ج ۱، ص ۵۷۰) که در مسجد نماز می‌خواند (ابن حجر، ۱۴۱۲ هـ: ج ۲، ص ۳۸۴)، فرمودند: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ عَبَادًا». شبیه به همین روایت در جای دیگری است که پیامبر ﷺ در حال نماز خواندن در خانه عایشه بودند که صوت عباد را شنیدند و برای وی دعا

نمودند (ذهبی ۱۴۰۷ هـ ج ۱، ص ۳۷۷). البته باید اذعان نمود این قرینه دلیل محکمی برای قاری شمردن وی نیست اما شاید بتوان از مجموع این قراین، قاری بودن او را استنباط کرد.

## ۸. نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گفته شد می‌توان شهدای قاری در نبرد یمامه را به دو دسته تقسیم نمود:

الف) قاریانی که بر قاری بودنشان در کتب اسلامی تصریح شده است، فقط دو تن هستند: سالم مولی ابی حذیفه و ثابت بن قیس. از این‌دو باید گفت حفص بن غانم قاری نبوده و مدرکی دال براین مطلب در کتب یافت نشده است.

ب) و قاریانی که با توجه به برخی از قرائی می‌توان به لیست قاریان شهید در نبرد یمامه اضافه کرد، ۷ نفر می‌باشند که عبارتند از: عبدالله بن ابی بن سلول، ابوحذیفه بن عتبه، عکاشة بن محسن ابی حرثان، عبد الله بن سهیل عامری، سماک بن خرشة یا ابو دجانة، سائب بن عثمان بن مظعون و عباد بن بشر.

بدین ترتیب باید گفت قاریان شهید در جنگ یمامه تنها ۹ نفر بوده‌اند نه ۷۰۰ یا ۴۰۰ و یا حتی ۷۰ قاری و به تبع این نتیجه، انگیزه خلیفه اول در جمع قرآن نیز مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. ضمن آنکه برخی از بزرگان شیعه از ابتدا انگیزه خلیفه اول در جمع قرآن را نپذیرفته و آن را توجیهی بر کار ابوبکر دانسته‌اند زیرا وی نسخه کاملی از قرآن نداشته و می‌خواسته مصحف شخصی داشته باشد که از زید در انجام این کار استمداد طلبیده است. (عاملی ۱۳۷۷ش، ص ۱۰۳). در حالی که دیگر صحابه از جمله امام علی علیهم السلام ابن مسعود، ابی بن کعب، ابن عباس و ... هر یک صاحب مصحفی برای خود بودند.

## منابع

۱. ابن الأثير، عزالدین، *اسد العابد*، بیروت - لبنان: دارالكتاب العربي، ۱۴۱۵ هـ.
۲. همو، *الكامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر دار بیروت للطباعة و النشر، ۱۳۸۶ هـ.
۳. ابن خلدون، ابوزید، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربي، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ هـ.
۴. ابن الجزری، شمس الدین ابو الخیر، *غاية النهاية فی طبقات القراء*، بی جا، بی نا، بی تا.
۵. همو، *النشر فی القراءات العشر*، محقق علی محمد الضباع، بی جا، المطبعة التجارية الكبرى، بی تا.
۶. ابن حزم الاندلسی، أبو محمد علی بن أحمد بن سعید، *جمهرة أنساب العرب*، بیروت - لبنان: دار الكتب العلمية، چاپ سوم، ۱۴۲۴ هـ.
۷. ابن كثير، إسماعیل بن عمر بن كثير القرشی، *البداية والنهاية* (الف)، بیروت: مکتبة المعارف، بی تا.
۸. همو، *فضائل القرآن* (ب)، بیروت: دار الاندلس، بی تا.
۹. همو، *السیرة النبویة* (ج)، تحقيق مصطفی عبد الواحد، بیروت - لبنان: دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۳۹۶ هـ.
۱۰. ابن الكلبی، علی بن احمد، *جمهرة أنساب العرب* (الف)، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۱. همو، *نسب معد و الیمن الكبير* (ب)، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۲. ابن ماکولا، *اكمال الکمال*، بی جا، دار إحياء التراث العربي، بی تا.
۱۳. ابن مجاهد التمیمی البغدادی، أبو بکر أحمد بن موسی بن العباس، *السبعة فی القراءات*، تحقيق شوقی خیف، القاهره: دار المعارف، چاپ سوم، ۱۴۰۰ هـ.

١٤. ابن هشام البصري، أبو محمد عبد الملكه سيرة /بن هشام، تحقيق محمد محيي الدين عبد الحميد المدنى، القاهرة: مكتبة محمد على صبيح وأولاده، ١٣٨٣هـ.
١٥. أبي أحمد الحكم الكبير، محمد بن محمد، الأسامي والكنى، محقق يوسف بن محمد الدخيل، بي جا، مكتبة الغرباء الأثريه، چاپ اول، بي تا.
١٦. أبي عمرو خليفة بن خياط، الطبقات دراسه، تحقيق سهيل زكار، بي جا، دار الفكر، بي تا.
١٧. أبوبكر الشيباني، أحمد بن عمرو بن الصحاكه الأحاد و المثانى، تحقيق باسم فيصل أحمد، رياض: دار الرايه، چاپ اول، ١٤١١هـ.
١٨. أكفانى، هبة الله بن أحمد بن محمد بن هبة الله، تاريخ مولد العلماء و وفياتهم، بي جا، بي نا، بي تا.
١٩. بخارى الجعفى، محمد بن إسماعيل، صحيح البخارى، بي جا، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٠١هـ.
٢٠. همو، التاريخ الكبير، تحقيق السيد هاشم الندوى، بي جا، دار الفكر، بي تا.
٢١. همو، التاريخ الصغير، تحقيق محمود إبراهيم زايد، قاهره: حلب، دار الوعى، مكتبة دار التراث، چاپ اول، ١٣٩٧هـ.
٢٢. بصرى الزهرى، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله، طبقات الكبيرى، محقق احسان عباس، بيروت: دار صادر، ١٩٦٨م.
٢٣. بلاذرى، احمد بن يحيى، فتوح البلدان، تحقيق صلاح الدين المنجد، قاهره: مكتبة النهضة المصرية، ١٩٥٦م.
٢٤. همو، انساب الأشراف، تحقيق الشيخ محمد باقر المحمودى، بيروت - لبنان: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٣٩٤هـ.
٢٥. بغدادى، محمد بن حبيب، المحبر، بي جا، بي نا، بي تا.
٢٦. التسترى، محمد نقى، قاموس الرجال، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجامعة المدرسین بقم، چاپ اول، ١٤١٩هـ.
٢٧. التميمى البستى، محمد بن حبان بن أحمد أبوحاتم، الثقات، تحقيق السيد شرف الدين أحمد، بي جا، دار الفكر، چاپ اول، ١٣٩٥هـ.

۲۸. همو، مشاهیر علماء الأمسار، تحقيق فلایشهمر، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۹۵۹م.
۲۹. جعفریان، رسول، محمود شریفی افسانه تحریف قرآن، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۳۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحین، تحقيق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دارالكتب العلیمه ، الطبعه الاولی، ۱۴۱۱هـ.
۳۱. خویی، سید ابوالقاسم، البيان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه آثار الامام الخویی، بی‌تا، بی‌تا.
۳۲. الذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد، تاريخ الإسلام و وفیات المشاھیر و الأعلام، تحقيق عمر عبد السلام تدمیری، بیروت - لبنان: دار الكتاب العربي، چاپ اول، ۱۴۰۷هـ.
۳۳. همو، سیر أعلام النبلاء، محقق مجموعة محققین بإشراف شعیب الأرناؤوط، بیروت - لبنان: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳هـ.
۳۴. همو، معرفة القراء الكبار على الطبقات والأعصار، تحقيق بشار عواد معروف، شعیب الأرناؤوط، صالح مهدی عباس، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۰۴هـ.
۳۵. الرازی، عبد الرحمن بن أبي حاتم، الجرح والتعديل، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ۱۲۷۱هـ.
۳۶. رامیار، محمود، تاريخ قرآن، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ش.
۳۷. الزبیری، أبو عبد الله المصعب بن عبد الله، نسب قریش، تحقيق لیفی بروفسال، القاهرة: دار المعرف، بی‌تا.
۳۸. زرکشی، بدرا الدین محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، محقق محمد أبو الفضل إبراهیم، بیروت - لبنان: دار إحياء الكتب العربية عیسیی البابی الحلبی و شرکائه، چاپ اول، ۱۳۷۶هـ.
۳۹. زرکلی الدمشقی، خیر الدین بن محمود، الأعلام، بی‌جا، دار العلم للملائیین، چاپ پانزدهم، ۲۰۰۲م.
۴۰. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، تحقيق مکتب البحوث و الدراسات، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۹۹۶م.
۴۱. السمعانی، محمد بن منصور، الأنساب، تحقيق عبد الله عمر البارودی، بیروت - لبنان: دار الجنان للطباعة و النشر والتوزیع، چاپ اول، ۱۴۰۸هـ.

٤٢. سيوطى، جلال الدين، *الإتقان فى علوم القرآن*، محقق محمد أبو الفضل إبراهيم، بي جا، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٣٩٤هـ.
٤٣. شبسترى، الحسين، *علام القرآن*، قم، دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول، ١٣٧٩ش.
٤٤. شافعى، ابن عساكر، *تاريخ مدينة دمشق و ذكر فضائلها*، تحقيق محب الدين أبي سعيد العمري، بيروت، دار الفكر، ١٩٩٥م.
٤٥. شرعى، أبو زيد محمد، *جمع القرآن فى مراحله التاريخية من العصر النبوى إلى العصر*، بي جا، بي نا، ١٤١٩هـ.
٤٦. شيبانى، أحمد بن حنبل، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، القاهرة: مؤسسة قرطبة، بي تا.
٤٧. صالحى الشامى، محمد بن يوسف، *سبل الهدى والرشاد*، تحقيق عادل أحمد عبد الموجود، على محمد معوض، بيروت - لبنان: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٤هـ.
٤٨. صفى، خليل بن ايكله الواقى بالوفيات، تحقيق أحمد الأرناؤوط و تركى مصطفى، بيروت: دار إحياء التراث، ١٤٢٠هـ.
٤٩. طبرانى، سليمان بن أحمد، *المعجم الكبير*، تحقيق حمدى بن عبد المجيد السلفى، موصل، مكتبة العلوم و الحكم، چاپ دوم، ١٤٠٤هـ.
٥٠. طبرى، محمد بن جرير، *تاريخ الأمم والرسل والملوك*، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٧هـ.
٥١. عاملى، جعفرمرتضى، *حقائقى مهم پیرامون قرآن*، مترجم حسن اسلامى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ سوم، ١٣٧٧ش.
٥٢. العبيد، على بن سليمان، *جمع القرآن الكريم حفظاً وكتابة*، بي جا، بي نا، بي تا.
٥٣. عسقلانى، أحمد بن على، *فتح البارى شرح صحيح البخارى*، تحقيق أحمد بن على العسقلانى، بيروت: دار المعرفة، ١٣٧٩هـ.
٥٤. همو، *تبصير المنتبه بتحرير المشتبه*، تحقيق محمد على النجار، مراجعة على محمد البجاوى، بيروت - لبنان: المكتبة العلمية، بي تا
٥٥. همو، *الإصابة فى تمييز الصحابة*، تحقيق على محمد البجاوى، بيروت: دار الجيل، چاپ اول، ١٤١٢هـ.

۵۶. همو، تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه.
۵۷. همو، تعریف التهذیب، تحقیق محمد عوامة، سوریه: دار الرشیدف، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه.
۵۸. عسگری، مرتضی، خمسون و ماته الصحابی المتخلق، بیروت، منشورات کلیه اصول الدین بغداد، چاپ اول، بی‌تا
۵۹. العکری الحنبلی، عبد الحی بن احمد بن محمد، شنرات الذهب فی أخبار من ذهب، تحقیق عبد القادر الأرنؤوط، محمود الأرناؤوو، دمشق: دار بن کثیر، ۱۴۰۶ ه.
۶۰. العینی، بدر الدین، عمدة القاری، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی‌تا.
۶۱. عمرو الدانی، أبو عمرو عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، بیروت: دار الكتاب العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه.
۶۲. قرطی، أبو عبد الله محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، محقق هشام سمير البخاری، ریاض: دار عالم الكتب، ۱۴۲۳ ه.
۶۳. قمی، شیخ عباس، الکنی و الالقاب، مقدمه محمد هادی امینی، تهران: مکتبه الصدر، بی‌تا.
۶۴. مزی، یوسف بن الزکی، تهذیب الکمال، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۰۰ ه.
۶۵. مطهر بن طاهر المقدسی، البدء و التاریخ، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۶۶. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران، سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ ش.
۶۷. مناع بن خلیل، القطن، مباحث فی علوم القرآن، قاهره، مکتبة و هبة القاهره، چاپ هفتم، بی‌تا.
۶۸. نسائی، احمد بن شعیب، السنن الکبری، تحقیق عبد الغفار سلیمان البنداری، سید کسری حسن مدار، بیروت - لبنان: الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.
۶۹. نولدکه، تئودور، تاریخ القرآن، ترجمه جورج تامر، بیروت: دارالنشر جورج المز، چاپ اول، ۲۰۰۴ م.
۷۰. نووی، أبي زکریا محیی الدین بن شرف، تهذیب الأسماء و اللغات، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۷۱. یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، بیروت - لبنان: دار صادر، بی‌تا.
۷۲. یوسف بن عبدالله ابن عبد البر، الاستیعاب، تحقیق علی محمد الباجوی، بیروت: دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.

